

Mahdavi Governance as a Model for the Governance of Wali al-Faqih in Fighting Oppression and Arrogance*

Hossein Elahinejad 

Professor, Department of Futures Studies of Religion and Religiosity, Institute of Mahdaviat and Futures Studies, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

h.elahinejad@isca.ac.ir



Abstract

By presenting three arguments, it can be claimed that the governance of Wali al-Faqih must follow and model itself after Mahdavi governance within its socio-political ecosystem. The first argument is the law of correlation which is established between the awaited society and the awaiting society. The second argument is the law of congruity which governs the pre-reappearance society and the post-reappearance society, and the third argument is the relationship established between the deputy (Wali al-Faqih) and the principal (Imam Mahdi); with these three arguments, the necessity of the relationship and the modeling of Wali al-Faqih's governance after Mahdavi governance becomes established. One of the cases of modeling with a socio-political approach is the issue of fighting oppression and combating arrogance, and to conduct this research, which is a qualitative study, we will utilize the library and documentary method in data collection and the descriptive and analytical method in data processing to achieve important results such as: 1- Fighting oppression and combating

* Elahinejad, H. (2025). Mahdavi Governance as a Model for the Governance of Wali al-Faqih in Fighting Oppression and Arrogance. *Islam and Social Studies*, 13(4), pp. 7-33.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74069.2202>

 **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

 **Received:** 2025/06/22 •  **Revised:** 2025/09/06 •  **Accepted:** 2025/11/01 •  **Online Published:** 2025/12/30

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



arrogance as a shared goal between Mahdavi governance and the governance of Wali al-Faqih, 2- Public recognition of arrogance and identification of oppressors as a shared strategy between Mahdavi governance and Wali al-Faqih governance, and 3- Public satisfaction and gaining their contentment regarding the struggle of Mahdavi governance and Wali al-Faqih governance against oppressors and arrogant powers, and finally, we will conclude the process of the work with a result and outcome.

Keywords

Governance, Mahdavi Governance, Governance of Wali al-Faqih, Identification of Oppression, Anti-Oppression, Identification of Arrogance, Anti-Arrogance.

حکمرانی مهدوی؛ الگوی حکمرانی ولی فقیه در ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار*

حسین الهی‌نژاد  ID

استاد، گروه پژوهشی آینده‌پژوهی دین و دین‌داری، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی،
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
h.elahinejad@isca.ac.ir

چکیده

با طرح دلایل سه‌گانه می‌توان ادعا کرد که لازم است حکمرانی ولی فقیه در زیست‌بوم اجتماعی و سیاسی خودش از حکمرانی مهدوی پیروی و الگوبرداری کند. دلیل اول، قانون تضایف است که میان جامعه منتظر و منتظر برقرار می‌باشد. دلیل دوم، قانون سنخیت است که میان جامعه قبل ظهور و جامعه پس از ظهور حکم فرما می‌باشد و دلیل سوم، رابطه‌ای است که میان نایب (ولی فقیه) و منوب عنه (امام زمان عجل الله تعالی فرجه) برقرار می‌باشد؛ با این سه دلیل ضرورت رابطه و الگوگیری حکمرانی ولی فقیه از حکمرانی مهدوی مسجل می‌شود. یکی از موارد الگوگیری با رویکرد اجتماعی و سیاسی بحث ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار می‌باشد که جهت انجام این پژوهش که یک پژوهش کیفی است در جمع‌آوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و در پردازش اطلاعات از روش توصیفی و تحلیلی بهره خواهیم برد تا به دستاوردهای مهمی همچون: ۱- ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار به عنوان هدف مشترک میان حکمرانی مهدوی با

* الهی‌نژاد، حسین. (۱۴۰۴). حکمرانی مهدوی؛ الگوی حکمرانی ولی فقیه در ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۷-۳۳.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74069.2202>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۱۴۰۴ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



حکمرانی ولی فقیه، ۲- شناخت استکبار و ظالم‌شناسی به مردم به عنوان راهکار مشترک میان حکمرانی مهدوی و حکمرانی ولی فقیه و ۳- رضایت‌مندی مردم جلب خوشنودی آنها نسبت به مبارزه حکمرانی مهدوی و حکمرانی ولی فقیه با ظالمان و مستکبران، برسیم و در آخر فرایند کار را با نتیجه و برابری به پایان خواهیم برد.

کلیدواژه‌ها

حکمرانی، حکمرانی مهدوی، حکمرانی ولی فقیه، ظلم‌شناسی، ظلم‌ستیزی، استکبارشناسی و استکبارستیزی.

مقدمه

استکبار یک کلمه قرآنی است که در قرآن درباره‌ی امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه‌ی دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹). مبارزه با ظلم و ستم، و مقابله با ظالمان و ستمگران در اندیشه مهدویت دارای جایگاه مهمی بوده و این موضوع در شکل‌های گوناگونی در روایات مهدویت آمده است. برای مثال یک مرتبه در قالب اهداف حکمرانی مهدوی و مرتبه دیگر در قالب فلسفه غیبت و دیگر مرتبه در قالب عدم بیعت با حاکمان جور بیان شده است. پس مبارزه امام مهدی علیه السلام با ظالمان و ستمگران در قالب مؤلفه سه‌گانه؛ اهداف حکمرانی، فلسفه غیبت و مبارزه با حاکمان جور، نمود و بروز دارد؛ اما در بیان اهداف حکمرانی گفته می‌شود: حکمرانی مهدوی دارای اهداف سه‌گانه کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت می‌باشد در هدف کوتاه مدت، به تشکیل نظام جهانی مهدوی و در هدف میان مدت مبارزه با ظالمان و ستمگران و تحقق عدالت در سراسر جهان و در هدف بلند مدت که از آن به هدف نهایی یاد می‌شود، به گسترش توحید و عبودیت در جهان پرداخته و مردم را تحت دین واحدی به نام اسلام گردهم می‌آورد. رهبر انقلاب در این خصوص فرمودند: «مأموریت بزرگ حضرت بقیة الله علیه السلام عبارت است از «يَمَلَأُ اللَّهُ بِهٖ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»؛ مأموریت بزرگ آن بزرگوار قسط و عدل است. در بسیاری از روایات، در دعاها، در زیارت‌ها به این معنا اشاره شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱/۲۱). پس گسترش عدل و داد و اضمحلال ظلم و جور از اهداف مهم حکمرانی مهدوی است که در این خصوص روایات فراوانی داریم تا جایی که برخی از بزرگان ادعای تواتر و اجماع نموده‌اند (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۶، ص ۱۶۲). و همچنین در بیان فلسفه غیبت گفته می‌شود: غیبت و پنهان زیستی امام زمان علیه السلام دارای فلسفه و علل مختلفی است که یکی از آنها عدم بیعت با ظالمان و مستکبران می‌باشد؛ براین اساس امام زمان علیه السلام در مبارزه با ظالمان و ستمگران، به‌طور قاطع عمل کرده و بدون هیچ‌گونه مماشات و ملاحظاتی با آنها برخورد می‌کند. گرچه بحث حکمرانی ولی

فقیه و حکمرانی مهدوی بحث جدید و نوپایی است، ولی مقالاتی نظیر «بررسی و تحلیل مبانی و مباحث نظری حکمرانی مهدوی و حکمرانی ولی فقیه» (الهی نژاد، ۱۴۰۴)، «حکمرانی ولی فقیه به منزله باز پیکربندی مسئله زمینه‌سازی ظهور در جهت تحقق خلافت الهی» (میرزاده، ۱۴۰۴)، «منطق تصمیم‌گیری رهبر معظم انقلاب در حکمرانی زمینه‌ساز» اثر (زارع، ۱۴۰۴) و «حکمرانی مهدوی؛ راهبرد زمینه‌سازی برای ظهور در پرتو انقلاب اسلامی (با اتکاء به بیانات امامین انقلابین)» نوشته (موسوی حسن رودی و نصوری، ۱۴۰۴)، «حکمرانی مردم پایه حکمرانی زمینه‌ساز» اثر (پارسانیا و لکنزایی، ۱۴۰۴) و «مدل حکمرانی زمینه‌ساز در اندیشه امام خمینی علیه السلام: تبیین، شاخص‌ها و نسبت با مدل‌های مدرن حکمرانی» اثر (معینی‌پور، ۱۴۰۴) به رشته تحریر در آمده است نمونه‌هایی از پیشینه تحقیق در این راستا می‌باشد. و در آخر در بیان مؤلفه سوم که مبارزه با حاکمان جور است گفته می‌شود: در روایات و احادیث گوناگونی این مطلب آمده که با ظهور امام مهدی علیه السلام بساط همه حکومت‌های جور و ستم برچیده می‌شود؛ از این رو در طول تاریخ اسلامی در مقاطع مختلف تاریخی یکی از کارهای مهم حاکمان جور، مبارزه با تولد امام زمان علیه السلام و در صورت تولد امام، تلاش برای از بین بردن ایشان بوده است. پس در اندیشه مهدویت و حکمرانی مهدوی یکی از مسائل مهم و برجسته بحث مبارزه با ظلم و ستم و مقابله با ظالمان و ستمگران است. حکمرانی ولی فقیه که به عنوان حکمرانی زمینه‌ساز شهره است در راستای همراهی با حکمرانی مهدوی و نیز در راستای تحقق زمینه‌سازی ظهور باید با بهره‌گیری از اندیشه مهدویت به مبارزه با ظلم و ستم در جامعه و نیز مقابله با ظلمان و ستمگران در جهان نظیر استکبار و صهیونیسم جهانی پردازد.

در این نوشتار جهت تحقیق و پژوهش ابتدا به بیان مفهوم‌شناسی و تبیین ادبیات بحث پرداخته و در ادامه با در افکندن مبحث چند گانه نظیر «راهبری حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم»، «معرفت‌افزایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم»، «همه‌جانبه‌گرایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم و استکبار ستیزی»، «رضایت‌مندی مردم از حکمرانی مهدوی در استقرار عدالت»، «ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار، هدف حکمرانی ولی فقیه»، «معرفت‌افزایی حکمرانی ولی فقیه به مردم نسبت به ظلم و ستم»، «زمینه‌سازی ظهور با

ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار» با روش توصیفی و تحلیلی و بر اساس فن اسنادی و کتابخانه‌ای به تحقیق و پژوهش پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری بحث

۱-۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱-۱. حکمرانی

حکمرانی در اصطلاح، فرایند نظام‌مندی جهت راهبری، هدایت‌گری، تسهیل‌گری و تنظیم‌گری جامعه از مبداء تا مقصد است؛ به بیان دیگر حکمرانی یک فرایند و یک تکنولوژی نرم است که از سیاست‌گذاری شروع شده تا به تحقق اهداف منتهی می‌شود (خسروپناه، ۱۴۰۲). حکمرانی از قدیم مطرح بوده و دارای پیشینه طولانی از نظر تاریخی است (بور، ۱۳۹۷، ص ۲۲). حکمرانی یعنی؛ راهبری پیشبرد امر عمومی در تمامی سطوح، ابعاد و بخش‌های مختلف و در ارتباط با دیگر ذینفعان، ذیربطان و اجزا از مبداء تا مقصد بر اساس محرک‌ها در بستر زمان و مکان؛ اما در تعریف حکمرانی اسلامی آمده؛ راهبری مؤمنانه قدرت برای تحقق امر عمومی در تمامی سطوح و بخش‌ها در ارتباط با دیگر ذینفعان، ذیربطان و اجزاء از مبداء تا مقصد به بعث محرک‌ها در بستر زمان و مکان از طریق عمل صالح (لک‌زایی و همکاران، ۱۴۰۳).

حکمرانی اسلامی شیوه و روش اعمال و تنظیم قدرت، سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها برای تحقق آرمان حیات طیبه از طریق مشارکت، هم‌افزایی و عملکرد بهینه نظام اسلامی است در بنیان‌های مفهوم حکمرانی اسلامی، ارجاع به آموزه‌های دین اسلام و منابع اسلامی محوریت دارد (فجری و نوربخش، ۱۴۰۰). می‌توان گفت حکمرانی در آموزه‌های قرآن، خلافت و ولایت از سوی خداوند برای بسترسازی کمال‌یابی بشر است؛ از این رو همه چیز در محور توحید و تکامل انسانی معنا و مفهوم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۸).

پس حکمرانی به معنای راهبری صحیح و به هم پیوسته قدرت از مبداء تا مقصد برای حل مسائل و مشکلات با مشارکت کنشگران ذینفع در راستای تحقق اهداف جامعه

است. که اگر جامعه اسلامی باشد با هدف و شاخصه‌های اسلامی و اگر جامعه غیراسلامی باشد با هدف و شاخصه‌های دیگری تعریف می‌شود.

۱-۱-۱. حکمرانی ولی فقیه

حکمرانی ولی فقیه، الگو و مدلی از حکمرانی اسلامی است که در زمان غیبت براساس اندیشه مهدویت شکل می‌گیرد و ولی فقیه به عنوان جانشین امام زمان علیه السلام سرپرستی جامعه را از ناحیه امام زمان علیه السلام براساس نظریه ولایت فقیه که مبتنی بر نظریه نیابت عام است، عهده‌دار بوده و به راهبری، هدایت‌گری، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تسهیل‌گری جامعه می‌پردازد؛ به بیان دیگر، حکمرانی ولی فقیه یعنی اجرا و اعمال سیاست در جامعه زمان غیبت با نگرش مردم‌سالاری دینی، براساس نظریه ولایت فقیه جهت ترویج و اقامه دین در جامعه است.

۱-۱-۲. حکمرانی مهدوی

حکمرانی مهدوی، آخرین الگو و مدل حکمرانی اسلامی است که براساس اندیشه مهدویت شکل گرفته و با رویکرد جهانی به راهبری، هدایت‌گری، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تسهیل‌گری جامعه و شهروندان برای رسیدن به عدالت جهانی، رفاه جهانی، امنیت جهانی و اقامه دین در جهان می‌پردازد. به بیان دیگر حکمرانی مهدوی یعنی اجرا و اعمال سیاست در جامعه با نگرش مردم‌سالاری دینی، براساس اندیشه مهدویت و حاکمیت امام مهدی علیه السلام جهت رشد امور مادی و معنوی بشر در دو ساحت دنیا و آخرت است (الهی‌نژاد، ۱۴۰۴).

۱-۱-۳. استکبار

استکبار از ریشه «کبر» به معنای خودبزرگ‌پنداری، برتری‌جویی، گردن‌کشی، غرور و نخوت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۲۶؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۷). در قرآن کلمه استکبار و واژگان هم‌مسو فراوان استعمال شده است «وَأَسْتَكْبِرُ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ

بَغَيْرِ الْحَقِّ...»؛ و او و سپاهیانش در آن سرزمین به ناحق سرکشی کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانیده نمی شوند (قصص، ۳۹). و «وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ»، و اما کسانی که کافر شدند [بدانها می گویند: «پس مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد؟ و [لی] تکبر نمودید و مردمی بدکار بودید (جائیه، ۳۱).

استکبار به دو نوع فردی و اجتماعی قابل تقسیم است. استکبار فردی، تکبر در برابر خدا و خاضع نشدن در پیشگاه حقیقت است و استکبار اجتماعی، تکبر در برابر مردم و بزرگ‌تر دانستن خود و مفهومی در مقابل استضعاف است، امام خمینی علیه السلام استکبار اجتماعی و سیاسی را در برابر استضعاف قرار داده و در یک نگاه کلی معتقد است تجاوز به حقوق زیردستان و کوچک شمردن آنان، هرچند کم باشد از مصادیق استکبار است؛ از این رو مستکبران منحصر در قدرت‌های سلطه‌گر جهانی نیست؛ بلکه دولت‌هایی هم که ملت‌های خود را ضعیف می‌شمارند و بر آنان ظلم می‌کنند در ردیف مستکبران‌اند؛ همچنین کسی که به حقوق زیردستان خود تعدی کند و آنان را کوچک می‌شمارد نیز مستکبر است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۴۸۸).

۲. ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار در حکمرانی مهدوی

۲-۱. راهبری حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم

چنان‌که بیان شد یکی از اهداف مهم حکمرانی مهدوی مبارزه با ظلم و ستم در جامعه است. حکمرانی مهدوی با سیاست‌گذاری و راهبری، فرهنگ عدالت و عدالت‌خواهی و قبح ظلم و ستم را در جامعه و در میان مردم اشاعه و ترویج می‌کند و با استمرار این فرهنگ به مرور روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در میان مردم گسترش پیدا می‌کند که در نتیجه نظام جهانی مهدوی و شهروندان آن برای اولین و آخرین مرتبه با اضمحلال ظلم و ستم اجتماعی به تجربه شیرین جامعه منهای ظلم و ستم دست پیدا می‌کنند. بی‌شک بر اساس داده‌های قرآنی، همه انبیاء علیهم السلام مأمور بوده‌اند تا با همین رویه با مردم تعامل نموده و با همین رویه سیاست‌گذاری، راهبری و تسهیل‌گری نمایند

تا مردم به صورت خودجوش به سوی اجرای عدالت و مبارزه با ظلم و ستم حرکت نمایند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (حدید، ۲۵).

در تفسیر آیه فوق گفته می‌شود؛ منظور از «کتاب» همان کتب آسمانی است و «میزان» به معنی «وسیله وزن کردن و سنجش» است که در نگاه معنوی احتمال دارد به معنای دین باشد. یعنی چیزی که تمام اعمال انسان‌ها را می‌توان با آن سنجید، و آن احکام و قوانین الهی، و یا آئین او به طور کلی است، که معیار سنجش نیکی‌ها و بدی‌ها، و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۱۷۱). به این ترتیب پیامبران با سه وسیله مجهز بودند: دلائل روشن، کتب آسمانی، و معیار سنجش حق از باطل و خوب از بد، و مانعی ندارد که فی‌المثل قرآن مجید هم «بینه» (معجزه) باشد، و هم کتاب آسمانی، و هم بیان‌کننده احکام و قوانین، یعنی سه بعد در یک محتوی. نکته مهم در جمله «لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» است که از «خودجوشی مردم» سخن می‌گوید، نمی‌فرماید: هدف این بوده که انبیاء انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کنند؛ بلکه می‌گوید: «هدف این بوده که با هدایت‌گری انبیا علیهم‌السلام مردم مجری قسط و عدل باشند آری مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند، و این راه را با پای خویش بپیمایند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۳۷۱). پس انبیا الهی علیهم‌السلام در طول تاریخ بدون تصدی‌گری و دخالت مستقیم با دلایل روشن بر اساس کتاب‌های آسمانی به سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و راهبری مردم پرداخته تا آنها خودشان به صورت خودجوش به اقامه عدل و داد، و مبارزه با ظلم و ستم در جامعه پردازند.

چنان‌که امام باقر علیه‌السلام در این خصوص می‌فرماید: «إِذَا قَامَ يَبْتَطِلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْيَةِ وَمَا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ يَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلُ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۵۴). قائم هم موقعی که قیام می‌کند هر اعمال نامشروع و بدعتی را که هنگام سازش با بیگانگان در میان مسلمین مرسوم گشته از میان می‌برد و مردم را به عدالت‌گستری راهبری می‌نماید.

در این روایت دو نکته مهم وجود دارد: ۱. آنچه در دوران سازش، نظیر انحرافات و بدعت‌های ظالمان و ستمگران وجود داشته، امام زمان علیه السلام همه آنها را باطل کرده و از بین می‌برد. ۲؛ مردم و جامعه را بدون تصدی گری و بدون دخالت مستقیم به سوی عدالتخواهی و ظلم‌ستیزی راهبری می‌کند.

پس بر اساس داده‌های قرآنی و روایی اصل اولیه بر این است که مردم خودشان با خودآگاهی و به صورت خودجوشی در امور اجتماعی نظیر تحقق عدالت و قسط ورود پیدا کرده و خودشان به صورت جمعی به رفع معضلات و مشکلات اجتماعی نظیر ظلم و ستم و مبارزه با ستمگران و ظالمان اقدام کنند. از اینجاست که یکی از کارهای مهم امام زمان علیه السلام در دوران حکمرانی جهانی، راهبری مردم در مسیر مبارزه با ظلم و ستم است؛ براین اساس نظام جهانی مهدوی برای تحقق عدل و داد، و برای رفع ظلم و ستم از جامعه، با اجتناب از دخالت گری و تصدی گری، فقط به سیاست‌گذاری، راهبری، تسهیل‌گری و حمایت‌گری بسنده کرده و مردم نیز به صورت خودخوش و خودآگاه به انجام کارهای اجتماعی اقدام می‌کنند.

۲-۲. معرفت‌افزایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم

یکی از راه‌های مهم مبارزه با ظلم و جور و اقبال به عدل و داد ارتقای معرفت مردم نسبت به قبح ظلم و جور و نقش منفی آن در زندگی اجتماعی و فردی و نیکویی عدل و داد و نقش مثبت آن در جامعه می‌باشد. به‌طور کلی معرفت‌افزایی مردم از نظر دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، موجب معرفت‌افزایی آنها نسبت به مقوله حق و حقیقت، عدل و داد و ظلم و جور می‌شود. هرچه این معرفت و آگاهی بیشتر، بالطبع حق‌شناسی و باطل‌شناسی و نیز ظلم‌شناسی و عدل‌شناسی بیشتر می‌شود. بر اساس فطرت خدادادی، مردم همیشه به سوی خوبی‌هایی مثل دین و آموزه‌های دینی، و حق و حقیقت، و عدل و داد گرایش داشته و در مقابل آن از بدی‌هایی نظیر ظلم و ستم، ناحقی و نابرابری و پلیدی و پلشتی متنفر و گریزان می‌باشند (فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا) و این گرایش‌ها فطری که در وجود همه انسان‌ها وجود دارد وقتی با معرفت و شناخت عقلی همراه شود

تأثیراتش بیشتر شده و مبارزه و تقابل را در انسان‌ها شدیدتر و عمیق‌تر می‌کند. در دوران پس از ظهور با حکمرانی مهدوی بسترهای رشد و ترقی برای مردم از لحاظ فکری و ذهنی مهیا شده و در واقع با این فراهم‌آوری و تمهیدگری نظام حکمرانی مهدوی، استعدادهای حق‌شناسی و حق‌یابی مردم شکوفاتر می‌شود و مردم با نیروی عقلانی و با قدرت فطری به حکمت و دانش برتر که به بواطن و اسرار جهان نفوذ دارد می‌رسند. پس در دوران نظام جهانی مهدوی مردم با دست‌یابی به دانش برتر (حکمت) به معرفت‌های یقینی و مطابق با واقع نایل می‌شوند. یعنی مفاهیم، براهین و قضایای معرفتی که در میان‌شان مطرح است به صورت مفاهیم صادق، واقعی، حقیقی و موجه، و نیز براهین صادق، مستدل و مطابق با واقع می‌باشد.

چنان‌که امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مُسْتَوِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۳۹). در دوران نظام جهانی مهدوی دانش حکمت، طوری در جامعه گسترش پیدا می‌کند که زن در خانه خود به کتاب خدا و سنت رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اجتهاد می‌کند.

چنان‌که امیر مؤمنان علی علیه السلام در نهج‌البلاغه در وصف حال امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «قَدْ لَبَسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا وَأَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبِهَا مِنَ الْإِقْبَالِ عَلَيْهَا وَالْمَعْرِفَةِ بِهَا وَالْتَفَرُّغَ لَهَا وَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ صَالِتَةٌ الَّتِي يُطَلِّبُهَا وَحَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهُ...» (مهدی موعود) سپر حکمت را پوشیده و آن را با تمام شرائطش از توجه به آن و شناختن آن و آمادگی برای اخذ آن، فرا گرفته پس حکمت گم شده است که آن را یافته است و آرزویی است که درخواست می‌نموده است» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۸۲، ص ۲۶۳).

باز حضرت در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «إِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مَنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاحٍ مُنِيرٍ وَيَحْدُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحْلَلَ فِيهَا رِثْقًا وَيَعْتِقَ فِيهَا رِقًا... تُجَلَى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَيُزْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَيُعْبَثُونَ كَأَسْ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ؛ ... بدانید کسی که از ما (امام زمان) آن آشوبها را درک کند، در تاریکی آن فتنه‌ها با چراغی روشن (نور امامت) راه خواهد رفت و بروش نیکان رفتار نماید، در آن وضع بحرانی بندی را بگشاید و اسیری را (از بند جهل) آزاد گرداند، دیدگان آنها به نور قرآن روشن شود و تفسیر آن

و منافیزیکی و یا علوم وحیانی و علوم بشری و یا علوم آسمان‌ها و کرات، و علوم زیستی و زمینی کامل می‌کند. این‌ها همه در واقع نمودار رشد یافتگی و تعالی علم و معرفت مردم در نظام جهانی مهدوی است؛ زیرا امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «تأویل این آیه هنوز نیامده و در دوران ظهور امام مهدی علیه السلام خواهد آمد».

پس مردم در زمان ظهور با حکمرانی مهدوی در دو ساحت علمی و عقلی رشد فزاینده و قابل توجه‌ای پیدا می‌کنند. این رشد فزاینده در امورات گوناگون معنوی و مادی، دنیایی و آخرتی، فردی و اجتماعی، و در امور اجتماعی در ساحت‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، دینی، اعتقادی، تمدنی و... رخ می‌دهد؛ پس این چنین مردمی اولاً؛ حق‌شناس هستند، ثانیاً، به دین و آموزه‌های دینی علاقمندند، ثالثاً؛ عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز هستند رابعاً؛ با استکبار و ظالمان سرسازش ندارند. در جامعه این چنینی با مردم این چنینی روحیه عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی گسترش پیدا کرده و به عنوان یک فرهنگ غالب در میان‌شان نهادینه شده است. نکته قابل توجه اینکه بر اساس داده‌های روایات فوق، همه تلاش‌ها و فعالیت‌های حکمرانی مهدوی که بیان شد، همگی به صورت راهبری، هدایت‌گری و تنظیم‌گری و بدون تصدی‌گری و دخالت مستقیم، همراه با فرهنگی‌سازی و تسهیل‌گری بوده و مردم نیز به صورت آگاهانه و خودجوشانه به انجام کارهای مثبت اجتماعی و مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی اقدام می‌کنند.

۲-۳. همه‌جانبه‌گرایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم و استکبارستیزی

از جمله کارهای مهمی که در روزهای اول شکل‌گیری نظام جهانی، به صورت فراگیر و همه‌جانبه در جامعه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌شود بحث مبارزه با ظلم و ستم است، یعنی این کار با اولویت اول به صورت فوری و فوری و به صورت فراگیر در جامعه اجرائی و عملیاتی می‌شود. براین اساس نهضت جهانی مهدوی پس از تشکیل حکمرانی جهانی با همراهی مردم در مسیر مبارزه با ستمگران، ظالمان و حاکمان جور قرار گرفته و بر اساس داده‌های روایی این کار در مدت زمان کوتاهی انجام شده و مردم با راهبری و تسهیل‌گری نظام جهانی برای همیشه بساط ظلم و ستم اجتماعی را در جامعه

بر می‌چینند و بشر و جوامع بشری برای اولین مرتبه و آخرین مرتبه طعم شیرین بی‌ظلمی، بی‌ستمی، و نیز بی‌ستمگران، بی‌ظالمان را تجربه خواهد کرد. چنان‌که رسول گرامی اسلام ﷺ در این خصوص می‌فرماید: «فهو إمام تقى نقى باز مرضى هاد مهدى أول العدل و آخره ... مهدى ﷺ امام تقی، نقی، خرم، مرضی، هادی و مهدی و اول العدل و آخر العدل می‌باشد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱۱، ص ۲۶۷).

پس مردم با محوریت حکمرانی مهدوی در مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی اولاً؛ به صورت فراگیر و هم‌جانبه وارد می‌شوند ثانیاً؛ با شدت و حدت تمام موضوع را پی‌گیری می‌نمایند. ثالثاً؛ با عده و عده کامل به صحنه می‌آیند رابعاً؛ با ضرورت و اولویت فوری با ظالمان و ستمگران برخورد کرده و با رویکرد سلبی و حذفی جامعه را از لوث آنها پاک‌سازی و جامعه را به سوی عدل و داد به پیش می‌برند.

چنان‌که در محضر امام رضا ﷺ از سامان‌یابی امور در دوران ظهور بدون سختی و بدون مبارزه با ظالمان و ستمگران گفت‌وگویی می‌شود که امام رضا ﷺ این دیدگاه را رد کرده و می‌فرماید: «فَقَالَ أَنْتُمْ الْيَوْمَ أَرْحَىٰ بِالْأَمْنِكُمْ يَوْمَئِذٍ قَالُوا وَكَيْفَ قَالَ لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا ﷺ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَالْعَرَقُ وَالنَّوْمُ عَلَى السُّرُوجِ وَمَا لِبَئِسَ الْقَائِمِ ﷺ إِلَّا الْعَلِيظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشْبُ؛ ، شما امروز آسوده‌تر از آن روز هستید عرض کردند: چطور؟ فرمود: اگر قائم ما ﷺ خروج کند به جز خون و خون‌ریزی (نسبت به ظالمان) و بدون عرق‌ریختن در مبارزه با آنها و به جز بر روی زین‌های اسبان خفتن چیزی نخواهد بود و قائم ﷺ را به جز جامه درشت بافت و غذای ساده نخواهد بود» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۸۵).

امام رضا ﷺ در رابطه با عدل فراگیر در حکمرانی مهدوی می‌فرماید: «فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بُنُورَهُ وَوُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛ ... آن‌گاه که خروج کند، ترازوی عدل را در بین مردم می‌نهد، پس هیچ‌کس به دیگری ظلم نمی‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۲۲).

همچنین امام باقر ﷺ در تفسیر این آیه؛ «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» فرمودند؛ «أَيُّ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا

بِجَوْرِ أُمَّةِ الضَّلَالِ» ، «بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش زنده می‌گرداند» یعنی خداوند زمین را با عدل قائم در رستاخیز ظهور او زنده می‌گرداند، پس از آنکه از ستم فرمانروایان ضلالت مرده باشد» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۵).

از مجموع روایات فوق‌الذکر که به نحوی به موضوع عدالت و گسترش آن در جامعه می‌پردازد این نکات قابل برداشت می‌باشد: ۱. عدالت گستری امام زمان علیه السلام فراگیر و همه‌جانبه است، ۲. عدالت مهدوی در همه زوایای جامعه اعم از فردی و اجتماعی رسوخ می‌کند و ۳. تحقق فراگیری و همه‌جانبگی عدالت همراه با آگاهی‌بخشی و معرفت‌افزایی مردم است.

۲-۴. رضایت‌مندی مردم از حکمرانی مهدوی در استقرار عدالت

از جمله شاخصه‌های مهم یک حکمرانی خوب و متعالی، رضایت‌مندی مردم از عملکرد مثبت حکمرانان و توجه ویژه حکمرانان به مردم و رفع نیازمندی‌ها و مشکلات آنها با رویکرد عدالت‌محوری و تکلیف‌محوری می‌باشد. چنان که بیان شد عدالت‌محوری در راستای تکلیف‌محوری به عنوان یکی از اهداف مهم حکمرانی مهدوی به شمار می‌آید. پیاده‌سازی عدالت و مساوات در جامعه جهانی به صورت تدریجی و سلسله‌مراتبی صورت می‌پذیرد. یعنی در این فرایند ابتدا نسبت به حقیقت و چیستی عدالت به مردم آگاهی‌بخشی می‌شود، پس از آگاهی‌بخشی به مردم، به کارکردهای و اثرات مهم آن و ضررهای فراوانی که ظلم و جور به همراه دارد پرداخته می‌شود و پس از معرفت‌افزایی نسبت به حقیقت و کارکرد عدالت، با استمراربخشی و تداوم آن به واسطه حکمرانی مهدوی به مرور زمان شاخصه عدالت‌خواهی در جامعه به عنوان یک فرهنگ غالب در آداب و معاشرت مردم نهادینه‌سازی می‌شود. در اینجاست که مردم با این روحیه عالی یعنی روحیه عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی از عملکرد حکمرانی مهدوی اعلان رضایت کرده و نظام جهانی را در این مسیر با علاقه‌مندی تمام مساعدت و همراهی می‌کنند.

چنان که رسول الله صلی الله علیه و آله در این خصوص می‌فرماید: «أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي

بی شک ماهیت انقلاب اسلامی ایران که در رأس آن ولی فقیه به عنوان نماینده امام زمان علیه السلام قرار دارد سیاست نه شرقی و نه غربی است تبلور این شعار و این سیاست، نفی استکبار بطور مطلق یعنی استکبار در همه سطوح و در همه جغرافیای جهان می‌باشد و شعارهایی نظیر عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفین و دوری از اشراف‌گری همه آنها بیان‌گر ماهیت و آرمان‌خواهی انقلاب اسلامی است. پس حکمرانی ولی فقیه در راستای حکمرانی مهدوی نه فقط یکی از اهداف مهم آن مبارزه با ظلم و ستم است؛ بلکه اساس و ماهیت آن نیز متفرع بر رویکرد استکبار ستیزی می‌باشد، یعنی حکمرانی ولی فقیه هم از نظر خاستگاه و هم از نظر ماهیت و هم از نظر غایت و هدف در پی تحقق عدالت و مبارزه با استکبار و ظلم ستیزی است؛ به بیان دیگر استکبار ستیزی در حکمرانی ولی فقیه علاوه بر نقش علت محدثه، نقش علت مبقیه را نیز ایفاء می‌کند.

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

انسان‌ها می‌توانند تلاش کنند و پرچم عدالت را (و لو در یک نقطه‌ی محدود) بلند کنند. شما ببینید ملت‌هایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشارِ ظلم و ستم زندگی می‌کنند، اگر این امید را در دل خود بیروانند که می‌شود با ظلم مبارزه کرد، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد و چطور ملت‌ها بیدار می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

باز ایشان می‌فرماید:

انسان باید برای هدفی زندگی کند؛ ... کار برای اهداف عالی، همیشه موفق است. این را خدای متعال در قوانین آفرینش قرار داده است که هرکس کار کند حتی برای هدف‌های دنیایی خداوند او را به آن هدف‌ها خواهد رساند؛ مگر آنکه در خود کار، خللی وجود داشته باشد که این، به خود انسان برمی‌گردد. و الا اگر کار برای هدف، با اصول درست انجام گیرد، دست یافتن به آن هدف، قطعی است. ... اگر این هدف یک هدف الهی باشد؛ به بشریت برگردد، به آرمان‌های خدایی برگردد، به صلاح و خیر بشر برگردد، به استقرار عدالت و به مبارزه با ظلم و جور مربوط شود، احساس می‌کند که به هدف نزدیکتر شده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹).

پس علاوه بر وجود قوانینی نظیر اصل تناسب، تضایف و سنخیت که میان جامعه

منتظر و منتظر بر قرار بوده و بر اساس این قوانین و اصول همراهی و همپوشانی در فلسفه وجودی و غایت شناختی میان آن دو جامعه را الزامی می‌کند. الگوهای فکری و معرفتی امامین انقلاب که بر اساس اندیشه نه شرقی و نه غربی پی‌ریزی شده و به نوعی پایه و اساس شکل‌گیری حکمرانی ولی فقیه در زمان حاضر می‌باشد نیز این همراهی و همپوشانی را فهم پذیرتر و مدلل تر می‌نماید.

۲-۳. معرفت‌افزایی به مردم در زمان غیبت

از جمله الگوهای مهمی که حکمرانی ولی فقیه از حکمرانی متعالی مهدوی گرفته بحث معرفت‌افزایی منتظران و شهروندان نظام ولی فقیه در خصوص شناخت حق و حقیقت، ظلم و ستم، ظالمان و ستمگران است. بی‌تردید بیداری‌های اسلامی در منطقه و حتی جهان و تداوم مبارزه مردم ایران و منطقه با استکبار و صهیونیسم جهانی، همه نشان از معرفت‌افزایی مردم نسبت به استکبار و ظالمان جهانی دارد و تحقق این شاخصه مهم اجتماعی از روش حکمرانی ولی فقیه به سرپرستی امامین انقلاب رخ داده است. بی‌شک هرچه مردم منطقه و ایران نسبت به اهداف شوم استکبار و صهیونیسم جهانی بیشتر آگاهی و معرفت پیدا نمایند، بیشتر به مبارزه و مقابله با استکبار جهانی و توطئه‌های آنها می‌پردازند.

چنان‌که در این خصوص بیاناتی از امام خمینی علیه السلام داریم که می‌فرماید:

اصلاً باید مسلمین بیدار بشوند. امروز روزی نیست که مسلمان‌ها هر کدام یک گوشه‌ای زندگی تنهایی بکنند و خودشان بین خودشان در هر کشوری یک زندگی خاص به خود داشته باشند، نمی‌شود این معنا. در یک همچو زمانی که سیاست‌های ابرقدرت‌ها بلعیدن همه جاست، مسلمین باید بیدار بشوند، ملت‌ها. دولت‌ها را من از اکثرشان مأیوس هستم، لکن ملت‌ها باید بیدار بشوند، و همه تحت لوای اسلام و تحت سیطره قرآن باشند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۳۱۹).

و مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

دشمن‌ترین اشخاص با این عقیده و با شخص آن بزرگوار، ستمگران عالمند. از روز

غیبت و بلکه از روز ولادت آن حضرت تا امروز، کسانی که وجودشان با ستم و زورگویی همراه بوده است، به دشمنی با این بزرگوار، با این پدیده الهی، با این نور الهی و با این شمشیر الهی مشغول بوده‌اند. امروز هم، مستکبرین و ستمگران عالم، با این فکر و عقیده، مخالف و دشمنند. می‌دانند این عقیده که در دل‌های مؤمنین است و این عشقی که در دل‌های مسلمین - به خصوص شیعه - وجود دارد، مزاحم هدف‌های ستمگرانه‌ی آنهاست (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۹/۱۴).

امام سجاد علیه السلام پیرامون با فضیلت بودن منتظران و مردمان زمان غیبت از همه مردمان در همه زمان‌های مختلف تاریخی، می‌فرماید: «يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنْظِرُونَ لظهوره أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شِعْتَنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا؛ ... ای ابو خالد مردم زمان او که معتقد بامامت وی می‌باشند و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمان‌ها بهترند، زیرا خداوند عقل و فهمی به آنها داده که غیبت در نزد آنها حکم مشاهده را دارد! خداوند آنها را در آن زمان مثل کسانی می‌داند که با شمشیر در پیش روی پیغمبر (علیه دشمنان دین) پیکار کرده‌اند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان راستگوی ما هستند که مردم را به‌طور آشکار و نهان بدین خدا می‌خوانند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۱۸).

براساس روایت امام سجاد علیه السلام انسان‌های دوران غیبت با فضیلت‌ترین انسان‌ها در طول تاریخ بشریت هستند و دلیل این فضیلت و برتری و فراگیری آن نسبت به همه انسان‌ها در همه اعصار بخاطر شاخصه‌هایی است که در روایت بدان اشاره شده است:

- ۱- اعتقادورزی به امامت امام زمان علیه السلام، ۲- اعتقادورزی به ظهور امام زمان علیه السلام،
- ۳- آراستگی به وصف انتظار، ۴- بکارگیری عقل، فهم در راستای شناخت امام زمان علیه السلام،
- ۵- عدم تفاوت میان غیبت و ظهور بخاطر اوج معرفت و اعتقادورزی به امام زمان علیه السلام،
- ۶- مزین بودن آنها به شاخصه اخلاص، ۷- دغدغه‌مندی آنها به امر دین و تبلیغ آن در خلوت و جلوت. همه این شاخصه‌ها دلیل بر این است که آنها شیعیان واقعی مکتب

اهل بیت علیهم السلام و منتظران واقعی امام زمان علیه السلام بوده و از نظر منزلت در جایگاه مجاهدان در رکاب رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هستند. شاید مهم ترین شاخصه‌ای که مردمان زمان غیبت که به واسطه آن به شاخصه اعتقادورزی و دین‌مداری و اخلاص‌گرایی و تبلیغ‌محوری روی می‌آورند شاخصه فهم عمیق و معرفت کامل و درک دقیق عقلی است. پس کاربست عقل، درایت، فهم و معرفت در میان مردمان زمان غیبت زمینه‌ساز روی‌آوری آنها به آموزه‌های اسلامی و مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر ظلم و ستم و مبارزه با ظالمان و ستمگران خواهد شد.

۳-۳. زمینه‌سازی ظهور با ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار

از جمله رسالت‌های مهم حکمرانی ولی فقیه و شهروندان آن بحث زمینه‌سازی ظهور است زمینه‌سازی ظهور که با آمادگی فراگیر و همه‌جانبه مردم و نظام ولی فقیه تحقق پیدا می‌کند دارای عوامل و علت‌هایی مختلفی است که یکی از آن عوامل و علت‌ها بحث شناخت ظلم و ستم، و ظالمان و ستمگران و مبارزه با آنها در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژی خواهد بود. در واقع رسالت مهم منتظران و حکمرانی منتظر که همان زمینه‌سازی ظهور بوده با دو رویکرد ایجابی و سلبی توجیه‌پذیر می‌باشد. در رویکرد ایجابی به معرفت‌بخشی و معرفت‌افزایی مردم نسبت به ظلم و ستم و ظالمان و ستمگران در رویکرد سلبی به نفی ظالمان و ستمگران و مبارزه با آنها خواهد بود. امیر مومنان علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَحُلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعَمِّي خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ ، ، بدانید که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند، اما خداوند، در اثر ظلم و ستم و اسراف بر نفس (گناهان) مردم، پس بر اساس فرمایشات امام علی علیه السلام از جمله موانع مهم ظهور امام مهدی علیه السلام وجود ظلم و جور در جامعه است که لازم است حکمرانی ولی فقیه و شهروندان آن در مسیر مبارزه با ظلم و ستم و از بین بردن آنها تلاش و کوشش نمایند» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۴۶).

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روایتی به مبارزه و جهاد مردم و منتظران در زمان غیبت با

ظلم و ستم جهت رسیدن به رخداد ظهور اشاره کرده و می‌فرماید: «حَتَّىٰ يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَمَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَيَقَاتِلُونَ وَيُنْصَرُونَ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّىٰ يَدْفَعُوهُ إِلَىٰ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا كَمَا مَلَكْتُهَا جُورًا...» تا آنگاه که مردمی که از جانب مشرق با پرچم‌های سیاه بطلب حق قیام کنند. این حق را بآنها نمی‌دهند تا جنگ کنند و پیروزی یابند و حق را بگیرند و آن را بمردی از اهل بیت من بسپارند که دنیا را پر از عدل کند چونان که از ظلم پر باشد» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۷۲).

چنان‌که امام خمینی علیه السلام در خصوص مبارزه با ظلم و ستم می‌فرماید:

الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است،] تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم؛ چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند. اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت - سلام الله علیه - (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۷).

چنان‌که مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم. سربازی امام زمان علیه السلام کار آسانی نیست... امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه‌ی دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم... بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی و عملی پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

پس یکی از راه رسیدن به ظهور، ظلم‌ستیزی و مبارزه با ستمگران و ظالمان جهانی است یعنی در برابر رویکرد ایجابی که به معرفت بخشی و کارهای ایجابی نظیر اصلاح و اصلاح‌گری، عدالت‌محوری و عدالت‌خواهی، اخلاق‌مداری و صداقت‌گفتاری و...

همراهی و الگوی گیری از حکمرانی مطلوب مهدوی را به منصفه ظهور می‌رساند. پس حکمرانی ولی فقیه به عنوان حکمران زمینه ساز در راستای همراهی با حکمرانی مهدوی اولاً، برای زمینه‌سازی ظهور اقدام به ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار جهانی می‌نماید، ثانیاً؛ جهت بسترسازی ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار به معرفت‌بخشی مردم اقدام می‌نماید. ثالثاً، در اجرای تحقق عدالت و مبارزه با ظلم و ستم بدون تصدی‌گری به راهبری و هدایت‌گری مردم اقدام می‌کنند. رابعاً؛ در راستار تحقق عدالت و نفی ظلم و ستم در پی رضایت و خوشنودی مردم حرکت می‌نمایند.

منابع

* قرآن، ترجمه فولادوند

* نهج البلاغه (صبحی). هجرت، قم ۱۴۱۴ق.

ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۵، چاپ سوم). بیروت: دار صادر.

اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمه (ج ۲). تبریز: بنی هاشمی.

الهی نژاد، حسین. (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل مبانی و مباحث نظری حکمرانی مهدوی. مطالعات

حکمرانی اسلامی، ۱(۱)، صص ۱۳۶-۱۶۶.

بور، مارک. (۱۳۹۷). حکمرانی (مترجمان: عرفان مصلح و زهره کریم میان). تهران: نشر کرگدن.

پار سانیا، حمید؛ لک زایی، رضا. (شهریور ۱۴۰۴). حکمرانی زمینه ساز؛ حکمرانی

مردم پایه. در: مدرسه حکمرانی زمینه ساز، آستان مقدس جمکران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). جامعه در قرآن. قم: اسراء.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷/۰۹/۱۴). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در

روز نیمه‌ی شعبان.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۱/۱۱/۱۹). بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز

نیروی هوایی. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2654>

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹/۰۱/۲۱). بیانات تلویزیونی رهبری به مناسبت ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه.

قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/45319>

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۰/۰۳/۲۷). بیانات تحت عنوان انقلاب اسلامی ایران در تداوم ظهور

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲/۰۸/۲۹). بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور.

قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/24524>

- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱/۰۷/۳۰). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالای تهران. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3149>
- خسروپناه، عبدالحسین. (۱۴۰۲). حکمرانی قبیله‌ای. مجله خردورزی، ۲(۲)، صص ۱۲-۲۱.
- خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (ج ۷، ۱۲، و ۲۱، چاپ پنجم). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات. بیروت: دارالقلم.
- زارع، محمد مهدی. (۱۴۰۴). نموذج الحوكمة الممهدة؛ تحليل منطقی اتخاذ القرار فی سیرة القائد الأعلى للثورة الإسلامية. وعد الامم، ۲(۴)، صص ۵۸-۹۲.
- سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- صدوق، محمد. (۱۳۹۵ق). کمال الدین (ج ۲، و ۱۱، چاپ دوم). تهران: اسلامیة.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان (ج ۱۹، چاپ دوم). بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، احمد. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج (ج ۲). مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). کتاب الغیبه. قم: دار المعارف الاسلامیه.
- طوسی، محمد. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (ج ۶). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قجری، علی و نوربخش، یونس. (۱۴۰۰). مطالعه نسبت مدل حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با مدل حکمرانی خوب. مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۹(۱۷)، صص ۳۹-۶۷.
- لکزایی، نجف؛ اکبری معلم، علی و حدادی، محسن. (۱۴۰۳). موضوع شناسی فقهی حکمرانی دینی، دین و قانون، ۱۲(۴۳)، صص ۵۱-۷۸.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۵۲، چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۲۳، چاپ دهم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی حسن رودی، سید روح‌الله، نصوری، محمدرضا. (۱۴۰۴). الحوكمة المهدویة: استراتیجیة التمهید للظهور فی ضوء الثورة الإسلامية (بالاستناد إلى تصريحات إمامیة الثورة)، وعد الامم، ۲(۴)، صص ۳۱۲-۳۴۳.

میرزاده، حجت. (۱۴۰۴). حوکمة الوليِّ الفقيه بوصفها إعادة تشکيل لقضية التمهيد للظهور في سبيل تحقيق الخلافة الإلهية. وعد الامم، ۲(۴)، صص ۱۶۴-۱۹۷.

معینی پور، مسعود؛ بایرامی، حمید. (۱۴۰۴). مدل حکمرانی زمینه ساز در اندیشه امام خمینی علیه السلام: تبیین، شاخص ها و نسبت با مدل های مدرن حکمرانی. جامعه مهدوی، ۶(۱۱)، صص ۶۵-۱۰۳.

نعمانی، محمد ابن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). غیبت نعمانی. تهران: نشر صدوق.

هاشمی خوبی، حبیب الله. (۱۴۰۰ق). منهاج البراعه (ج ۱۶، چاپ چهارم). تهران: مکتبه الاسلامیه.